

اختیارات قاسمی: مخطوطه مهمی در رشته طب از عهد عادل شاهی

♦ دکتر ارشد حسین

دکتر محمد مظهرالحق*

محمد قاسم هندوشاه معروف به فرشته (متوفی ۱۶۲۳ م) در حوزه علم و دانش به ویژه در رشته تاریخ‌نویسی از شهرت فراوان برخوردار است، اما جای تأسف است که عده کمی از این موضوع اطلاع دارند که وی نه تنها یکی از تاریخ‌نویسان چیره‌دست بوده است، بلکه در علم طب و پزشکی نیز دسترسی کامل داشت. فرشته از یکسو با تدوین کتابی در زمینه تاریخ به نام «گلشن ابراهیمی» معروف به تاریخ فرشته، هزاران شخصیت معروف و مجهول را زندگانی دوام بخشیده و نیز برای خودش شهره بلندی بدست آورده، از سوی دیگر با نوشتن کتابی در زمینه طب بنام «اختیارات قاسمی» معروف به دستوراتالطبا در جهان طب و معالجه نام خود را ثبات و دوام بخشید ولی متأسفانه منابع پیرامون شرح زندگی این طبیب حاذق و مورخ شامخ که نابغه روزگار خود بوده خیلی کم یافت می‌شود.

نام اصلیش محمد قاسم هندوشاه مشهور به فرشته است که درباره اصل و نسب خانواده او منابع و مواد بسیاری در دست نیست، بیشترین چیزی که ما می‌دانیم تنها این است که پدرش مولانا محمد غلام علی هندوشاه بوده و حتی درباره زندگانی پدرش

♦ استاد بخش مطالعات اسلامی، جامعه همدرد، دهلی‌نو.

* استاد بخش فارسی و مطالعات آسیای مرکزی، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی‌نو.

نیز اطلاعات کمی یافت می‌شود. خانواده فرشته از استرآباد بود و او همانجا در سال ۱۵۵۲ میلادی تولد یافت و در خردسالگی با پدرش به احمدآباد مهاجرت نموده است. اما بعد از کشته شدن نظام شاه ثانی، احمدآباد را ترک گفته به بیجاپور وارد شده و در خدمت ابراهیم عادل شاه ثانی درآمد. در همین جا فرشته کتاب مهم «اختیارات قاسمی» را در رشته طب تالیف نمود که به دستورالاطبا شهرت دارد و شمه‌ای از مطالب این کتاب و معرفی مختصر آن در صفحات آینده به میان خواهد آمد.

ابراهیم عادل شاه ثانی (متوفی ۱۶۲۶ م.) که خود از علما، دانشوران و هنرمندان سرپرستی می‌نمود، با شنیدن شهره علمی فرشته بویژه تاریخ‌دانی و تاریخ‌نگاری وی، دستور داد که کتابی پیرامون تاریخ عهد اسلامی هندوستان تهیه کند، فرشته این کار را با دقت و زحمت بسیار در سال ۱۰۱۵ هـ ق به پایان رسانید و این اثر تاریخی مهم را به نام «گلشن ابراهیمی» موسوم کرد که بنام تاریخ فرشته معروف گردید.

همان طور که در بالا ذکر گشت، علاوه بر تاریخ‌نگاری، فرشته به رشته طب و پزشکی علاقه عمیق داشت و به دنبال همان علاقه قسمت بزرگی از زندگانی پُرازش خود را در مطالعه کتاب‌های طبی صرف نمود و پس از اتمام مطالعه کتاب‌های مهم این فن که در ایران و عرب متداول بوده، مایل به مطالعه کتاب‌های طبی هند گشت و به همین منظور به مطالعه کتاب‌های حکمای هندی مانند واکبخت و شسررت و غیره پرداخت. فرشته بزودی به این نتیجه رسید که نظام طب هندی براساس مستحکم استوار است و احتیاج دارد که کتابی نوشته شود که در آن در مورد ازاله امراض، روش‌های هندی به میان آورده شود و درباره اسمای ادویه و اغذیه هندی و خواص و مزاج آنها نیز بحث شود و در این رابطه نظرات اطبای هندی بیان شود. عبارت زیر که از مقدمه کتاب اقتباس شده است این نکته را واضح می‌کند:

”... مسود اوراق محمد قاسم الملقب به هندوشاه المشهور به فرشته در آن علم شریف مهما امکن غور نموده برخی از عمر گران مایه صرف کرد و بعد از مطالعه کتب این فن که در ایران و توران و عربستان متداول است طبیعت راغب مطالعه کتب حکماء هندوستان گشت، چون علمی و عملی طب ایشان را در نهایت استحکام یافت واجب و لازم دانست که جهت عزیزانی که

به حلیه اسلام مزین بوده در آن دیار روزگار بسر می‌برند و از فصول و هوای کثیرالاختلال آن مملکت به واجبی اطلاع ندارند و طرز معالجات اطباء آن دیار چنانکه باید نمی‌دانند عجال‌الوقت کتابی مشحون از فواید و قواعد و ضوابط طب ایشان و تدبیر ازاله مرض که بحسب ظاهر خالی از غرابتی نیست و خواص و مزاج ادویه و اغذیه و اسامی آنها که به تلفظ درآوردن آن بری از اشکال نبود بقلم آورده از خود بر صفحه روزگار یادگاری گذارد. بیت:

غرض نقشی است کز ما یاد ماند که هستی را نمی‌بینم بقای...^۱

از عبارات بالا این مطلب نیز آشکار می‌گردد که کتاب نام برده برای اغراض ذاتی و منفعت مالی به تدوین نیامده است. مولف صرفاً می‌خواست که در این جهان بی‌ثبات از او یک نقش جاویدان باقی بماند. نسخه‌های خطی این اثر که در کتابخانه‌های مختلف هندوستان محفوظ است به این قرار است:

۱. کتابخانه مرکزی محمد سعید، جامعه همدرد، دهلی‌نو

در این کتابخانه سه نسخه خطی این کتاب موجود است که دو عدد از آنها غیر مجلد و فعلاً از دسترس ما بیرون است، نسخه خطی سوم با شماره ۱۶۰ که تحت مطالعه ما بوده بهتر و قابل استفاده است. روی بیشتر اوراق اثر نمی‌و جوهر دیده می‌شود که خواندن متن را کمی مشکل می‌کند.

- شماره ۱۶۰، خط شکسته، ۱۱۲۷ هـ، ۱۶۱ برگ، ۱۹ سطر، اندازه ۱۰/۵ × ۹/۵، کرم‌خورده، اسم کاتب عبدالقوی ولد عاشق محمد.

آغاز:

”حمد بی‌حد مر خدای را که بر حکم وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ رایت شوکت محمدی مرتفع ساخته زمام امور مخلوقات در قبضه...“

انجام:

”... تمام شد دستورالاطبا در علم طب به روز سه‌شنبه به تاریخ بیست و چهارم ربیع‌الآخر سن ۴ جلوس مدارج شاه عادل موافق ۱۱۲۷ هـ به خط فقیر

۱. نسخه خدابخش، شماره ۳۳۰۹.

حقیر عبدالقوی ولد عاشق محمد ساکن قصبه بدهانه... نوشته بماند به خط سفید / نویسنده را نیست فردا امید.

۲. کتابخانه شورای مرکزی پژوهش‌های طب یونانی (CCRUM)، دهلی نو.

در این کتابخانه یک نسخه از این مخطوطه موجود است. این نسخه در کتابت اغلاط زیاد دارد، در آخر کتاب عبارت خوانا نیست، باز هم کتاب لایق استفاده است.

- شماره C1991، خط نستعلیق، ۱۲۳ برگ، ۲۲ سطر، اندازه ۱۲ × ۱۸.۵

۳. کتابخانه عمومی علوم مشرقی خدابخش، پتنا

در این کتابخانه دو نسخه از این مخطوطه موجود است. این نسخه کرم خورده، اما لایق استفاده است.

- شماره ۳۳۰۹، خط نستعلیق، ۱۳۸ برگ، ۲۲ سطر، اندازه ۱۳۸ × ۲۳.۴

آغاز:

”حمد مر خدای را که بر حکم وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ...“

میکروفیلم نسخه خطی که در دست ماست برگ آخر ندارد، لذا کاتب و سال کتابت این نسخه معلوم نیست.

- شماره ۳۰۸۷، ۱۰۰ برگ، ۱۷ سطر، اندازه ۱۵ × ۲۲، آغاز و انجام افتاده، یکی از کتاب‌های طبی دیگر به نام العلاج بالمفردات با این نسخه جلد بندی شده است.

۴. موزه سالار جنگ، حیدرآباد

در این کتابخانه نسخه‌های متعددی از این اثر موجود است.

- شماره ۱۷۱۲، طب ۸۲، خط نستعلیق، ۱۶۸۳/۱۰۹۴ هـ، ۱۰۰+۱ برگ، سطر مختلف ۲۱، ۱۹، اندازه ۳۱.۸ × ۲۳.۹، صاف و ساده و لایق استفاده است، کاتب عبدالغنی، صفحه آخر از این قرار است:

”... اجزای آن تانبر بسم ابرک بسم لوه بسم رس سندور هر کدام یک توله گندک هشت توله همه را سفوف ساخته در ظرف آهنین کنند و بالای آتش چوب چکنار بنهند تا گداخته گردد پس فضله تازه ماده گاو بر زمین پهن کنند

و بالای آن نیز برگ کیله^۱ تازه فرش کرده اجزای گداخته مذکوره را بالای برگ کیله ریزند و تنگ سازند و بالای آن نیز برگ کیله گذاشته بالایش باز فضله ماده گاو پهن کنند و یک پهر بگذارند پس پنج امرت پربتیی بر آورده نگاه دارند و بوقت حاجت استعمال نمایند و دیگر رساین مرکبه را از تطویل اندیشیده ثبت نموده تمام شد این نسخه معتبر حکمت الی ید عبدالضعیف الفقیر الحقییر عبدالغنی هر که ازین کتاب منتفع شود کاتب را بفاتحه یادآورد سلخ فی التاریخ صفر ۱۰۹۴ هـ.

«از مطالعه ظاهر می‌شود که مقاله سیوم و خاتمه که در فهرست مذکور است، به تفصیل ثبت نیافته و ناقص مانده است کاتب یا مؤلف نوشته باید مورد پژوهش قرار داده شود».

این عبارت «از مطالعه... تا قرار داده شود» در آخر این نسخه به توسط شخصی نامعلوم نوشته شده است.

- شماره ۱۷۱۳، طب ۸۳، خط نستعلیق ۲۱۸ برگ، ۱۵ سطر، اندازه ۲۵.۲×۱۴.۸، کرم خورده، لایق استفاده، کاتب حافظ محمد حسین ابن حافظ محمد علی اللهم اغفرلی ولوالدی و للاستاذی و لجميع المؤمنین (خاتمه یافت).
- شماره ۱۷۱۴، طب ۸۴، ۲۸۲ برگ، ۱۸ س، اندازه ۲۱ × ۳۰، کاتب سید مدار ابن سید نور.

انجام:

«تمت الكتاب بعون الله الوهاب کاتب الحروف سید مدار ابن سید نور غفرالله من ذنبه مرتب شد».

- شماره ۱۷۱۵، طب ۸۵، خط نستعلیق، ۱۵۱ برگ، ۱۹ سطر.

انجام:

«گوشت جانوران جانگل دیس سبک باشد و گوشت جانوران ساده‌ارن دیس متوسط و گوشت جانوران انوپ دیس ثقیل چنانکه گذشت».

با همین عبارت این نسخه دفعتهً به پایان می‌رسد یعنی چند سطر از خاتمه افتاده است ولی نسخه لایق استفاده و کامل است، نام کاتب و سال کتابت هر دو افتاده است.

- شماره ۱۷۱۶، ۸۶ خط نستعلیق ۴۶۵ برگ، ۱۱ سطر، اندازه ۱۳.۵ × ۲۱.۹، این نسخه بهتر و لایق استفاده است. به حروف جلی نوشته شده است، اما ناقص و افتاده است. مقاله سوم که مشتمل بر ۱۶۰ فصل است تنها ۱۰۲ فصل نوشته شده است و باقی افتاده است. کتاب با این عبارت به پایان می‌رسد:

“... موضع دندان را به روغن گاو چرب سازند و مغز سر خرگوش بمالند زود.”

۵. کتابخانه رضا رامپور

در این کتابخانه نیز چندین نسخه این اثر موجود است.

- اختیارات قاسمی، شماره ۱۵۲۱-۵۶۲۲، خط شکسته، ۱۸۰ برگ + ۸ مع حواشی، تعداد سطر مختلف، اندازه ۱۱ × ۱۷، اسم کاتب: شیخ الاسلام. این نسخه کامل، صاف و ساده و قابل استفاده است.

آغاز:

“حمد متکثر حکیمی را که از حکمت کامله خویش عالم را از عدم بوجود آورد و در جمله موجودات خلقت انسان را برگزید و صحت و مرض که تعلق جسم و ابدان است برای حفظ صحت صنعت علم طب را وضع فرمود و نعت متکثر طبیعی را که بدوای هدایت و ابر جلالت [زنگ دلها] را بزدود. صلوة و سلام بر آن سرور موجودات و بر آل و اصحاب و پیروان او باد، اما بعد می‌گوید بنده ضعیف و نحیف ابوالقاسم طیب که چون در سن ... در فن علم طب مهارت حاصل نمود و از کتب هندی که حکمای متقدمین در عهد سلاطین خویش ترجمه آنها بزبان فارسی بعبارت طویل نموده‌اند بمطالعه درآورد و خواست که مختصری از اینها بعبارت فراهم آورده یادگاری برای خود گذارد تا بمطالعش برخاطر کسی ملال نرسد از مفردات و مرکبات و کشتجات که در ضمن معالجات مفید آیند بتحریر آرد پس این رساله را بر نه

فایده مرتب ساخت و مسمی باختیارات قاسمی قرارداد. امید که منظور نظر خاص و عام گردد.“

خاتمه:

”سادارن دیس آنست که آب قعر زمین در قرب و بعد معتدل بود و سبزه و درختانش نیز بسیاری و کمی و خردی و بزرگی باعتدال باشد و مردم آنجا نیز مستوی الخلقه و صحیح البدن باشد و پس اهل هند هر مملکتی را چندین قسمت کرده اند و هر یکی را اسمی گذاشته مثل بهنور دیس و ناگر دیس و همنت دیس و غیره برای گوشت جانوران هر ممالک خواصی قرار داده اند. گوشت جانوران انوپ دیس ثقیل چنانکه گذشت. تمت تمام شد به خط شیخ الاسلام.“

- دستورالاطباء، شماره ۱۵۲۲، خط نستعلیق، ۱۴۷ برگ، ۱۷ سطر، اندازه ۱۰ × ۱۹، صاف و ساده و قابل استفاده است یک کمی در خواندن برگهای آخر مشکلی در پیش می آید.

آغاز:

”حمد مرخدای را که بر حکم وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ...“

خاتمه:

”سادهارن دیس آنست که آب قعر زمین در قرب و بعد معتدل بوده و سبزه درختانش نیز در بسیاری و کمی و خوردی و بزرگی به اعتدال باشند و مردم آنجا نیز مستوی الخلقه صحیح البدن باشند و باز اهل هند هر مملکتی را چندین قسمت کرده اند و هر یکی را اسمی گذاشته مثل بهنور دیس و ناگر دیس و همونت دیس و غیره و برای گوشت جانوران هر ملکی خواصی قرار داده اند، گوشت جانوران جانگل دیس سبک باشد و گوشت جانوران سادهاران دیس متوسط و گوشت جانوران انوپ دیس ثقیل، چنانچه گذشت. والسلام تمام شد.“

- دستورالاطباء، شماره ۱۵۲۳، خط نستعلیق، ۳۸۰ برگ، ۱۵ سطر، اندازه ۹ × ۱۸، این نسخه بسیار صاف و لایق استفاده است.

آغاز:

”حمد بی حد مر خدای را که بر حکم وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ...“

خاتمه:

”سادهارن دیس آنست که آب قعر زمین در قرب و بعد معتدل بوده و سبزه و درختانش نیز در بسیاری و کمی و خوردی و بزرگی باعتدال باشند و مردم آنجا نیز مستوی الخلق صحیح البدن باشند و باز اهل هند هر مملکتی را چندین قسمت کرده اند و هر یکی را اسمی گذاشته مثل بهنور دیس و ناگر دیس و همونت دیس و غیره و برای گوشت جانوران هر ملکی خواصی قرار داده اند، گوشت جانوران جنگل دیس سبک باشد و گوشت جانوران سادهارن دیس متوسط و گوشت جانوران انوپ دیس ثقیل، چنانچه گذشت. والسلام تمام شد.“

۶. کتابخانه ابن سینا، علیگر

در این کتابخانه یک نسخه از این مخطوطه موجود است.

- شماره ۵۲، خط نستعلیق، ۳۷۴ ص، ۱۹ سطر.

آغاز:

”حمد مر خدای را که بار حکم وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ...“

خاتمه:

”تفصیل قسمت ممالک ربیع مسکون، بدان که حکمای ممالک“

این نسخه مکمل است اما صفحه آخر افتاده است، لذا این نسخه را می توان ناقص الآخر گفت.

۷. کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علیگر

در این کتابخانه یک نسخه از این مخطوطه موجود است.

- حبیب گنج کلکشن، شماره ۴۶/۳۴، خط نستعلیق، ۱۲۴ برگ، ۱۷ سطر، اندازه ۶.۳ × ۱۰، نسخه ناقص الآخر.

آغاز:

”حمد مر خدای را که بار حکم وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ رايات شوکت محمدی صلی الله علیه و سلم مرتفع ساخته...“

خاتمه:

این نسخه بعد از بیان «فصل صد و پنجاه هفتم در انواع تب» ناگهان به پایان می‌رسد بعد از آن کتابی دیگر با این نسخه جلد بندی شده است، لذا این نسخه ناقص‌الآخر است، به سبب مفقود شدن ترقیمه نام کاتب و سال کتابت معلوم نیست، اما این کتاب لایق استفاده است.

۸. کتابخانه ایسیاتک سوسائیتی بنگال، کلکته.

در این کتابخانه یک نسخه از این مخطوطه موجود است.

- شماره ۱۵۵۳، خط نستعلیق، ۱۰۰ برگ، ۲۲ سطر، اندازه ۷۵ × ۱۵۰. ۱۴۰ × ۲۱۵. کرم‌خورده معمولی، و ناقص است. در این نسخه تنها مقاله اول است، مقاله دوم و سوم و خاتمه افتاده است. ولی متاسفانه که درباره نواقص این نسخه در فهرست کتابخانه اشاره نشده است.

آغاز:

”حمد خدای را که بر حکم وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ...“

و به این عبارت این نسخه یک لخت به پایان می‌رسد:

”مضر بود بزنان حامله هرتال، زرنیخ را گویند تیز و گرم و مجرب بود...“

علاوه بر این نسخه‌های مختلف در کتابخانه‌های گوناگون هند پراکنده است به آنها رسایی ما ممکن نشده است.

همان طور که در بالا ذکر شد این نسخه خطی مشتمل بر یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه است. در مقدمه این کتاب نه فائده به میان آمده است که در آن بیان کیفیت ارکان بدن، اخلاط، عناصر ترتیب طعام و غسل و غیره است. درباره بدهضمی و ثقل آن نیز در این مقدمه بیان شده است. علاوه بر آن ده نکته نیز بیان شده است که رعایت آن برای هر طبیب لازم و ضروری است: مثلاً طبیب باید آب و هوای کشور و منطقه را در

خاطر داشته باشد و از قوت و عادت و عمر مریض و مقدار غذا و طبیعتش نیز نباید بی‌خبر باشد. در این مقدمه نظرات اطباء بالخصوص طبای هندی بیان شده است که ازین قرار است:

فایده اول: در کیفیت ارکان بدن

فایده دوم: در کیفیت اخلاط که دوکفه خوانند سه انگارند

فایده سوم: در شرح عناصر که تت گویند و پنج شمارند

فایده چهارم: در اظهار علل که سه قسم مفرد و چهار نوع مرکب دانند

فایده پنجم: در ازاله امراض که به دو نوع نمایند

فایده ششم: در شرائط عشره که بر طیب واجب دانند

فایده هفتم: در تفصیل فصول که رت خوانند و شش پندارند.

فایده هشتم: در ترتیب طعام خوردن و غسل که واجب دانند

فایده نهم: در ضوابط اصلاح و ثقل و بد هضمی اغذیه و اشربه که آن را اجیرن نامند.

در مقاله اول بیان خواص و مزاج ادویه مفرده به میان آمده است، مولف می‌گوید که او در این مورد از کتاب‌های واگ بهت و دیگر حکمای هند هر چه به آن دست یافته نقل نموده است و حتی الامکان از طوالت گریز کرده راه اختصار پیموده است. شناخت و معرفی مزاج و روش استعمال بیش از شش صد دوا طبق الفبایی در این مقاله مورد بحث قرار داده شده است.

حروف ث، ح، خ، ذ، ز، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف و ق در کتب طبی یافت نمی‌شود و درحقیقت در لغت اهل هند نیست، هرچه به «ثا» و «ضاد» باشد آن را به «سین» مبدل سازند و «حا» را به «ها» و «خا» و «قا» را به «کاف» و «زا»، «ذا» و «ضا» و «ظ» را به «جیم» و «عین» را به «الف» و «غین» را به «کاف» فارسی و «طاء» حطی را به «تا»ی نقطی تبدیل می‌کنند و «فا» را به «با»ی فارسی می‌آورند. بنابر این از حروف مذکور هیچ دارویی در این کتاب آورده نشده است.

مقاله دوم این کتاب مشتمل بر پانزده باب در مرکبات است. در این مقاله طریقه تهیه ادویه مرکب، فواید، طریقه استعمال و مقدار خوراک آنها به تفصیل ذکر شده است. نسخه‌های مجرب از طبای هندی و یونانی هم درین مقاله جا گرفته است. ما فهرست

تمام ابواب را مى خواهيم در زير نقل مى نماييم تا طرحى از ادويه مركب مذکور در اين مقاله در اذهان خواننده بيايد:

الباب الاول فى المفردات: فرح دلکشا وغيره

الباب الثانى فى المعاجين: معجون لجالو، معجون گوکهر، معجون کينکر، معجون موصلی، معجون موچرس، معجون اسپند، معجون دهاتوره، معجون شیطرج، معجون سورن، معجون مبهى و غيره.

الباب الثالث فى الجوارشات: جوارش کافورى، جوارش بهنگره، جوارش بکرماجيت راجه هند و غيره.

الباب الرابع فى الاقراص: قرص مازو، قرص بهار، قرص کرفش، قرص طباشير، قرص سعد هندی و غيره.

الباب الخامس فى الحبوبات: حب سيماب، حب شنجرف، حب رام بان، حب مسکين نواز، حب سلاجيت، حب سم الفار، حب بلادر، حب انگزه، حب بادنجان، حب توتياى هندی، حب مرمکى، حب گندهک، حب تخم انبه و غيره.

الباب السادس فى السفوفات: چورن وجى، سفوف قرنفل، سفوف کشنيز، سفوف ناردان، سفوف هليله، سفوف ضيق النفس، سفوف نيب، سفوف بواسير، سفوف حنظل و غيره.

الباب الثامن فى الادهان: روغن زقوم خاردار، روغن هليله، روغن اروسه، روغن قسط، روغن صندلين، روغن نیلوفر، روغن بچهناک، روغن مرمکى، روغن خردل، روغن مصطگى، روغن بيل و غيره.

الباب التاسع فى المطبوخات: مطبوخ کشنيز، مطبوخ سعد، مطبوخ لسان العصافير، مطبوخ تپ لرزه، مطبوخ حبس بول، مطبوخ اصل السوس، مطبوخ کچنال، مطبوخ مقل و غيره.

الباب العاشر فى الاشربه: شربت نانخواه، شربت نيب، شربت قرنفل، شربت سعد هندی، شربت خيار چنبر و غيره.

الباب الحادى عشر فى المراهم والضماد و الاطليه: مرهم شنجرف، مرهم گندک، ضماد بچهناک، ضماد شیطرج، ضماد مين پهل، ضماد زردچوبه، ضماد کتان، طلايه لذت، طلايه امساک، طلايه عروسک و غيره.

الباب الثانى عشر فى الحقنه و الاشيايف: حقنه سعد، حقنه بيد انجير و غيره.

الباب الثالث عشر فی الغرغره و السعوطات: غرغره عاقر قرحا، غرغره نمک سنگ، غرغره سرکه انگوری

الباب الرابع عشر فی قتل الفلذات و الفروعها: قتل سیماب، قتل آهن و غیره.

الباب الخامس عشر فی الرساین المركبه: در این باب چند نسخه مخصوص و مجرب از اطبای هندی بیان شده است.

مقاله سوم دارای ۱۶۰ فصل در معالجات است. تمام امراض از سر تا پا و اسباب و علامات امراض و معالجات آنها در این مقاله مختصراً ذکر شده است. همان نسخه‌های معالجات بیان شده است که مجرب است. بیماری‌هایی که در این مقاله آمده است از این قرار می‌باشد.

صداع، سرسام، دوار، شقیقه، افلج، لقوه، سکنه، خدر، سبات، کابوس، صرع، مالیخولیا، عشق، تشنج، نسیان، رعشه، ثناوب، اختلاج، زکام، نزله، امراض چشم، دردگوش، خیشوم، گند و خلط بینی، جراحات بینی، ناسور بینی، درد دندان، ورم لهات، فساد گوشت بن دندان، جنبیدن دندان، قلاع، رفتن خون از دهان، خناق، گرفتگی آواز، ثقل زبان و عظم آن، ترقیدن لب، افتادن کام، بند شدن چیزی در گلو، سعال، سرفه دق، علت سل، ضیق‌النفس، ربو، ذات‌الریه، ذات‌الجنب، تپ محرقه، ورم شش، درد دل، خفقان، عطش، وجع معده، قی آمدن، قلت جوع، فواق، جوع‌الکلب، جوع‌البقر، درد وطا، هیضه، غشی و تهوع، تشنج امعا، ذرب، ضعف کبد، ضعف طحال، استسقاء، زلق امعا، یرقان، آکله، نار فارسی خنازیر، دمل، سلعه، دیبله، طاعون، سرطان، شکنج، حمزه، داد، جرب، کلف، بهق، ثولول، تدابیر اطفال، آماس، جذام، برص، قروح رحم، اختناق، شقاق رحم، ادرار طمٹ، قطع طمٹ، افتادن جنین خام، اسقاط جنین، انقطاع حمل، اعانت حمل، حفظ جنین، عسر ولادت، آماس گرده، سنگ و ریگ گرده، جرب مثانه، قروح ذکر، بول‌الدم، سلس‌البول، حرق بول، عسر‌البول، سیلان منی، کثرت احتلام، آماس خصیه، شقاق مقعد، ناسور مقعد، بواسیر، کرم شکم، درد پشت، خله، درد مفاصل، علت نفرس، علت فتق، عرق‌النسا، داء‌الفیل، دوالی، سپیدی ناخن، داء‌الثعلب، انتشار شعر، شقاق شعر، انبات شعر، جعودت موی، قمل، شقاق پاشنه، نمله، گند بغل، انواع تپ، تپ صفراوی، در مباشرت و ادویه قوت باه و غیره.

در خاتمه این کتاب نخست اقسام مزه و مزاج و خواص آن بیان شده است و بعد بحث تقسیم‌بندی ربع مسکون به میان آمده است. در مورد مزه مؤلف می‌نویسد که این دارای شش نوع است. شیرین، ترش، زمخت، تیز و شیر. شیرین دافع باد و صفرا، اما مزید بلغم باشد به شرط اینکه چرب باشد و شیرین که دارای چرب نباشد مثلاً نبات و شهد و غیره آنها مزید بلغم نیست. ترش مزید بلغم و صفرا و دافع باد است، اما انار ترش، آمله صحرايي و کویت پخته و چیزهای دیگر مانند آن برای اینکه در اینها قدری شیرینی نیز وجود دارد. ترش دافع صفرا و بلغم است، اما مزید باد هم است. چیزهای زمخت نیز همین خصوصیت ترشی را دارد. تیز مزید صفرا و باد و بلغم را کوتاه می‌کند. همان طور شور باد را کوتاه می‌کند و مزید صفرا و بلغم است. پس از آن مؤلف مزاج مزه را بر روی کاغذ آورده است و بعد سه قسم ممالک ربع مسکون را مورد مطالعه قرار داده و نوشته است که حکمای هند ممالک ربع مسکون را بنا بر خواص آب زیر زمین در سه نوع تقسیم‌بندی کرده‌اند، یعنی جانگل دیس، انوپ دیس و سادارن دیس. جانگل دیس آن است که در آنجا عمق چاه‌ها بسیار باشد. انوپ دیس آن است که در آنجا سطح آب بر بالا زمین باشد، بعد از کندن زمین بسیار کم آب بیرون می‌آید. در سادارن دیس سطح آب در بین باشد، نه بسیار عمیق باشد نه بسیار بالا. درباره درختان و گوشت جانوران نیز که در این منطقه یافت می‌شوند مختصراً در این خاتمه بیان شده است.

خلاصه کلام این که برای علاج و معالجه این اثر یکی از کتاب‌های مختصر، اما جامع و قابل استفاده است. در این کتاب روش معالجه یونانی و هندی هر دو شامل است. در این کتاب تجربات و اقوال اطباء هندی و یونانی هر دو جا گرفته است و از کتاب‌های نویسندگان معروف طب هندی و یونانی استفاده شده است، مانند: بقراط، جالینوس، حکیم محمد مصری، طیب لاهوری، حکیم احمدی، اعمی^۱ شیرازی، شهاب عبدالکریم ناگوری، نفیس بن عوض کرمانی، ملا رستم جرجانی، بیماجی گوزپشت، چندرت، ششرت، ست سرلوکی، واگ بهت و غیره. مؤلف تنها به نظریات و بیان‌های گران‌بها اکتفا ننموده، بلکه تجریبات و نظریات خودش را نیز آورده است. وی با اطباء

دیگر اختلافات نیز داشته و سعی نموده است که عقیده خود را به طریق مدلل به میان آورد. و جایی که تجربه خودش را بیان نموده، «تجربه مؤلف است» نوشته است.

این کتاب اهمیت تاریخی فوق‌العاده‌ای در کتاب‌های طبی دارد، برای اینکه در این کتاب معالجات پادشاهان نیز ذکر شده است. مثلاً مؤلف نوشته است که جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه هندوستان را حبس بول شده بود، هیچ دارویی این علت را دفع نکرد، بالآخر حکیم محمد مصری سه توله شوره در آب حل کرده به فاصله دو ساعت دو بار خوراند که از آن بول جاری شد و علت دفع گردید. همین طور سفوفی یا چورنی در این کتاب ذکر شده است که آن را سلطان علاء‌الدین خلجی همواره بکار می‌برد و به نام چورن علائی شناخته می‌شود که اجزا و فواید آن را امیر خسرو نظم کرده است. درباره شربت نیب مؤلف نوشته است که سلطان محمود خلجی نسخه شربت نیب را نوشته به طور تحفه به برادرزاده خودش علاء‌الدین خلجی فرستاده بود.

در باب مرکبات بیشتر همان ادویه مورد بحث قرار داده شده است که بسیار موثر و مفید باشند و در هندوستان از قرن‌ها رواج یافته‌اند، مثلاً برای تپ لرزه «حب رام‌بان» که مؤلف آن را «حب روح پرور» نام گذاشته است. بقول مؤلف رام خدا را گویند و بان تیر را، یعنی این تیر خدا است هرگز خطا نمی‌کند. این نسخه آزموده مؤلف است. همین طور یکی از نسخه‌های مرکب «گهورا چری» است، مؤلف برای فارسی دانان این نسخه را «حب مسکین‌نواز» نامیده است. بقول مؤلف این حب میان جوگیان بیشتر مستعمل است. ایشان در سفر و حضر به هر حال این حب را به همراه خودشان می‌دارند و مرض‌های گوناگون را با این علاج می‌کنند. به زبان هندی «گهورا چری» اسب سوار را می‌گویند، لذا این حب را تشبیه به محصل اسب سوار کرده‌اند که از طرف حاکم می‌آید و از اسب پیاده نمی‌شود و بدون محصول بدست آورده بر نمی‌گردد. این حب هم دارای این صفت است، بدون بیرون آوردن مرض از حصار بدن قرار نمی‌گیرد. همین طور بیان یکی از دهان معطر و خوشبودار به نام «دهن‌العاشقین» در کتاب آمده است که بوسیله سلطان محمود بیگرا گجراتی کشف شده است.